

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختار زاده

شهر اِسْن - المان

خورشید وحدت

چه خورشید جهانتابی ، به اوج آسمان امشب
که از فیض درخشان ماهتاب و اختران امشب
ز نارش حرق بنگر ، ریشه بغض و عداوتها
ز نورش خرق ، استار تعصب ، از میان امشب
درون سینه برپا ، محشر و ، فریاد دل بالا
که میخواد درد ، هر پرده وهم و گمان امشب
ولی ترسم مبادا ، شبنم یاقوتی خاطر
ز تند باد تعصب ، در بهار آرد خزان امشب
ملیک وحدت عالم ، عجائب جلوه ها دارد
قیامت ها به پا بنگر ، به بزم دوستان امشب
نشسته شیعه و سنی ، هم ایرانی و افغانی
که چون یاران روحانی ، ز مردان و زنان امشب
مسلمان و کلیمی و ، برهمایی و بودایی
بهایی و مسیحایی ، همه چون جسم و جان امشب
یکی حور و دگر غلمان ، یکی جان و دگر جانان
یکی دارو ، دگر درمان ، همه یک خاندان امشب
بهشت جاودانی را که میگویند همین باشد

به هر کنج و کناری بین ، نشسته حوریان امشب
نه جام و باده و مینا ، نه صهبا و نه ساقی
همه مست می معنا ، ز گفتار و بیان امشب
به رنگ و بوی یزدانی ، گل وحدت شکوفا شد
که گردد عالم هستی ، همه از سر جوان امشب
ز هر سو عرضه از بحر خرد یاقوت و مرجانها
چه زیورهای فرهنگ و ادب گشته عیان امشب
به مشتاقان میثاقش ، به عشاقان پیمانش
حدیث وحدت عالم ، نماید حق ، بیان امشب
بسی مجنون و لیلاها ، مرید و مرشد مینا
خراب و بیخود و شیدا ، چو بلبل نغمه خوان امشب
به خاطر آورد یاد جوانی را که در میهن
شب مهتاب و صاف نیلگون آسمان امشب
ندارم قدرت و تاب و توان بیش ازین گفتن
قلم کم رنگ و کاغذ تنگ و من از عاجزان امشب
خداوندا بفضل خود ، برویان شاخ و برگ و گل
ازین تخم محبت را ، که پاشیدم نهان امشب
ز معراج سخن « نعمت » ، بیا پایان که میترسم
به محراق هوس گردی ، مباد از کافران امشب